خبر

پسر عموهای سارق در نقش مامور پلیس

گروه حوادث: ظن پلیس به سرنشینان یک پراید به افشای جرایم دو پسر عمو که در پوشش مامور از شهروندان سرقت می کردند، انجامید. به گزارش خبرنگار ما، ظهر روز ۱۵ بهمن در حالی که گروهی از ماموران پلیس آگاهی در حال گشت‌زنی در خیابان «فاطمی» بودند به سرنشینان یک پراید مشکوک شدند. سرنشینان این خودرو دو جوان بودند که با دیدن ماموران تلاش کردند بگریزند. راننده پراید با افزایش سرعت خودرواش در خلاف جهت شروع به حرکت کرد اما تلاشش فایده‌ای نداشت و دقایقی بعد ماموران خودرو را در خیابان «کاج» متوقف کردند. در حالی که مسیر فرار برای مظنونان مسدود بود آنها این بار کوشیدند با پای پیاده فرار کنند ولی اقدام ضربتی مأموران آنها را گرفتار کرد. هنگامی که ماموران درباره خودروی دو فرد دستگیر شده تحقیق کردند، مشخص شد پراید چند روز قبل در کرج سرقت شده است. به این ترتیب دو مرد جوان برای انجام تحقیقات بیشتر به پلیس آگاهی منتقل شدند و بازرسی از اتومبیل مسروقه ابعاد دیگری را از اتهام دو جوان برملا کرد. در پراید توقیف شده یک جفت پلاک خودرو مسروقه، یک کارت شناسایی جعلی مربوط به یکی از ارگان‌های نظامی و یک دستگاه بی‌سیم وجود داشت. با کشف این وسایل کارآگاهان آگاهی فرضیه ارتکاب سرقت در پوشش مامور را مورد بررسی قرار دادند. تجسس‌های پلیس نشان می‌داد دو متهم به نام‌های حسین - ۲۰ ساله - و محمد - ۲۴ ساله - با هم پسر عمو و از اعضای طایفه فیوج هستند و پیش از این نیز به اتهام سرقت در پوشش مأمور دستگیر و زندانی شده‌اند. در همین حال دو متهم توسط چند مالباخته به‌عنوان مامور قلابی شناسایی شدند. یکی از شاکیان که زن جوانی است، گفت: روز شش آبان برای فروش جواهراتم به یک زرگری رفتم و در ازای فروش طلاها یک چک به مبلغ هشت میلیون و ۲۰۰ هزار تومان دریافت کردم. سپس برای نقد کردن آن به بانکی در شهر زیبا رفتم و پول‌های دریافتی را در کیفم گذاشتم و از شعبه خارج شدم. در حالی که سوار خودروام بودم ناگهان یک خودروی زانتیای مشکی رنگ راهم را سد کرد. یکی از سه سرنشین زانتیا پیاده شد و در حالی که یک بی‌سیم در دستش بود به سوی من آمد. او یک کارت شناسایی نشان داد و مدعی شد مامور است. من که از نقشه آنها بی‌خبر بودم بنا به خواسته وی از خودرو پیاده شدم و او شروع به بازرسی کرد تا اینکه به کیف دستی‌ام رسید. مرد جوان در یک لحظه کیف دستی را که پول‌ها داخل آن بود برداشت و سوار زانتیا شد و در یک چشم به‌هم زدن همراه همدستانش فرار کرد. بنابراین گزارش اکنون پرونده دو پسر عمو به دادسرا ارجاع شده است.

بیش از هشت سال تحقیقات پلیسی به پایان رسید

زن معتاد، رازدار سرنوشت مرد ناپدید شده

گروه حوادث: سرنوشت مرد جوانی که از سال ۸۱ به طرز مرموزی ناپدید شده بود با اعترافات یک زن معتاد و همسرش فاش و انگیزه قتل او مشخص شد. به گزارش خبرنگار ما روز ۲۷ خرداد سال ۸۱ مردی با مراجعه به کلانتری نواب از گم شدن برادر ۲۷ ساله‌اش به نام شهرام خبر داد و گفت: او ساعت ۲۴ روز ۲۱ خرداد از خانه بیرون رفت و دیگر برنگشت پس از تشکیل پرونده مقدماتی، کارآگاهان اداره ۱۱ پلیس آگاهی ماموریت یافتند رد پایی از شهرام پیدا کنند آنان در نخستین گام از تحقیقات متوجه شدند این جوان برای ساعت ۳۰ دقیقه بامداد با فرد یا افرادی قرار ملاقات داشت، اما محل این قرار و اشخاصی که شهرام قصد داشت با آنها دیدار کند، مشخص نبود. کارآگاهان پس از متمرکز کردن تحقیقات‌شان روی زندگی خصوصی شهرام متوجه شدند بین او و زن ۴۰ ساله‌ای به نام مژگان روابطی وجود داشت. خانواده شهرام وقتی اسم زن میانسال را شنیدند از حضور او در زندگی جوان مفقودی ابراز بی‌اطلاعی کردند و همین موضوع کار را پیچیده‌تر کرد و از سویی این شبهه را قوت بخشید که ماجرای گم شدن شهرام به رابطه پنهانی او گره خورده است. تلاش‌های ابتدایی برای یافتن مژگان بی‌نتیجه ماند. ماموران در آن زمان خانه زن ۴۰ ساله را پیدا کردند، اما فهمیدند او تقریبا همزمان با ناپدید شدن شهرام محل سکونتش را ترک کرده است. ردیابی‌ها برای یافتن این زن افسران پلیس آگاهی را به محل کار سابق این زن کشاند و در آنجا فاش شد مژگان به موادمخدر اعتیاد دارد و به همین سبب نیز اخراج شده بود. در حالی که تحقیقات به کندی پیش می‌رفت بالاخره اخباری به دست آمد که از سکونت مژگان و شوهرش در اصفهان حکایت داشت. ماموران خود را در یک قدمی مظنون شماره یک پرونده می‌دیدند وقتی به اصفهان رفتند باز هم دست خالی ماندند چرا که زن فراری بار دیگر محل اقامتش را تغییر داده بود. از آن پس دیگر ردی از مژگان و همسرش به دست نیامد تا اینکه چندی پیش خبر رسید این زوج در روستایی در شمال کشور سکونت دارند به همین دلیل گروهی از ماموران راهی آنجا شدند و بالاخره مظنون را بازداشت کردند. مژگان پس از انتقال به اداره ۱۱ پلیس آگاهی تهران تحت بازجویی قرار گرفت او اگرچه می‌گفت دقیقا نمی‌داند چه اتفاقی برای مرد مفقودی افتاده است، به صورت تلویحی اطلاع داد شوهرش در همان سال ۸۱ شهرام را کشته است. این زن به ماموران گفت: «من از چند سال قبل از آن اتفاق به واسطه اعتیاد به مصرف موادمخدر

با شهرام آشنا شده بودم؛ هر زمان که موادم تمام می‌شد سراغ او می‌رفتم و شهرام هم مواد به من می‌داد تا اینکه همسرم متوجه اعتیادم شد و من نیز مجبور شدم شهرام را به او معرفی کنم؛ در حالی که همسرم، شهرام را مقصر اعتیاد من می‌دانست از من خواست شهرام را به بهانه خرید مقدار زیادی مواد به داخل خانه بکشانم و من نیز این کار را انجام دادم». مژگان در ادامه اعترافاتش گفت: «آن روز ساعت یک بامداد پس از وارد شدن شهرام به خانه، به بهانه تهیه پول از منزل خارج شدم و همسرم که در بیرون خانه بود به داخل رفت ساعتی بعد وقتی برگشتم شهرام را ندیدم و از همسرم درباره او پرسیدم شوهرم هم گفت: کاری کردی که تا آخر عمر بدبخت شدم؛ من با توجه به این حرف احتمال می‌دهم شهرام کشته شده باشد». کارآگاهان بعد از شنیدن حرف‌های مژگان برای دستگیری شوهر ۴۲ ساله او به نام فرشاد به تکاپو افتادند و مطلع شدند این مرد پس از دستگیری همسرش از شمال گریخته و به تهران آمده است. جست‌وجوها برای دستگیری مرد فراری تا روز ۱۶ بهمن به طول انجامید و وی سرانجام در حوالی میدان راه‌آهن دستگیر شد. فرشاد که ابتدا مدعی بود از سرنوشت شهرام خبری ندارد وقتی بازجویی‌ها ادامه یافت به کشتن او اقرار کرد اما مدعی شد مژگان نیز در این جنایت مشارکت داشت. متهم به قتل به کارآگاهان گفت: «پس از اطلاع از اعتیاد همسرم و این موضوع که شهرام مواد مورد نیاز مژگان را به او می‌دهد، تصمیم گرفتم از این جوان انتقام بگیرم برای همین مژگان را مجبور کردم تا با او تماس بگیرد و به بهانه خرید مقدار زیادی مواد، او را به خانه بکشاند پس از آن هر دو نفرمان با او درگیر شدیم و من و مژگان جداگانه چند ضربه به سینه و گردن او زدیم و وی را به اتفاق به قتل رساندیم. سپس جسد را در یک صندوقچه گذاشتیم و آن را در زیرزمین خانه‌مان در خیابان خوش دفن کردیم اما چون صاحبخانه قصد داشت آنجا را تخریب و نوسازی کند نهایتا در زمان تخلیه منزل، جسد را از زیر خاک بیرون آوردیم و پس از بردن به استان اصفهان، آن را معدوم کردیم و پس از مدت کوتاهی تصمیم گرفتیم تا از اصفهان به روستایی دورافتاده در شمال کشور برویم تا پلیس موفق به دستگیری ما نشود». این اعترافات، «مژگان» را بار دیگر پشت میز بازجویی نشاند و او این بار در اعترافاتش گفت: «با چاقویی که هنگام درگیری شهرام با همسرم از او گرفته بودم، چند ضربه به کمر و سینه شهرام وارد کردم». بنابراین گزارش دو متهم اکنون در بازداشت به سر می‌برند و تحقیقات از آنان ادامه دارد.

دو دوست در جلسه محاکمه یکدیگر را به قتل متهم کردند

نقشه جنایتکارانه برای سرقت ۱۰ میلیونی

گروه حوادث: دو مرد جوان که برای سرقت پول‌های دوستشان او را به قتل رسانده و جسدش را آتش زده بودند، در جلسه محاکمه یکدیگر را به قتل متهم کردند. به گزارش خبرنگار ما، در ابتدای جلسه محاکمه این متهمان که صبح دیروز در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد روشن، نماینده دادستان، خطاب به هیات پنج نفری قضات گفت: متهمان به نام‌های حسین و مهدی حاضر در دادگاه یک سال قبل مردی به نام حسن را خفه کرده و سپس جسدش را به آتش کشیده‌اند. آنها بعد از اینکه نقشه قتل را طراحی کردند به محل کار حسن رفتند و علاوه بر قتل مبلغی پول و یک گوشی تلفن همراه را از مقتول به سرقت بردند. در ادامه جلسه محاکمه اولیای دم مقتول در جایگاه حاضر شدند و برای هر دو متهم تقاضای صدور حکم قصاص کردند آنها همچنین گفتند تفاضل دیه را پرداخت خواهند کرد.

سپس حسین، متهم ردیف اول پرونده در برابر قضات قرار گرفت و گفت: مدت‌ها بود که حسن را می‌شناختم و با او دوست بودم او در یک کارگاه تولید لباس کار می‌کرد و به من خیلی اعتماد داشت. کارگر سخت کوشی بود و می‌دانستم پول زیادی دارد. تا اینکه یک روز خودش این موضوع را به من گفت حسن ۱۰ میلیون تومان پول داشت. او به من گفت پول‌هایش را جایی در کارگاه مخفی کرده است و کسی از مخفیگاه او خبر ندارد. وقتی این موضوع را فهمیدم مرتب پیش خودم می‌گفتم باید کاری کنم تا پول‌ها را به دست آورم. موضوع را با مهدی در میان گذاشتم و او قبول کرد در این دزدی با من همکاری کند. وی ادامه داد: ما آن شب به کارگاه رفتیم حسن تنها بود در را باز کرد و ما وارد شدیم او فکر می‌کرد برای دیدارش رفته‌ایم وقتی وارد کارگاه شدیم دستمالی دور گردن حسن بستیم و کشیدیم هنوز خفه نشده بود که من دستمال را رها کردم اما مهدی آن را آنقدر کشید تا او جان داد. بعد همه جای کارگاه را گشتیم اما پول‌ها را پیدا نکردیم و گوشی تلفن همراه و پول‌های جیب حسن را برداشتیم و فرار کردیم. بعد از دفاعیات این متهم مهدی در جایگاه ایستاد و مدعی شد قتل کار همدستش حسین است. او گفت: وقتی حسین به من پیشنهاد داد با او به سرقت بروم قبول کردم قرار نبود ما قتلی انجام دهیم. می‌خواستیم دست و پای مقتول را ببندیم و پول‌هایش را برداریم اما وقتی وارد کارگاه شدیم حسین به من گفت باید او را بکشیم. او خودش دستمالی را دور گردن حسن انداخت و ما از هر دو طرف آن را کشیدیم اما من بعد از چند دقیقه به خاطر اینکه ترسیده بودم دستمال را رها کردم در آن زمان حسن زنده بود حسین هم برای اینکه جان او را بگیرد هر دو سر دستمال را کشید. من در این قتل نقشی نداشتم. متهم درباره سرقت و علت آتش زدن جسد گفت: بعد از اینکه حسن به دست حسین به قتل رسید ما همه جای کارگاه را گشتیم اما نتوانستیم مبلغ پولی را که گفته بود پیدا کنیم. مبلغ کمی در جیب لباس حسن بود آن را برداشتیم و گوشی تلفن همراه او را هم سرقت کردیم. بعد برای اینکه آثار جرم از بین برود و جسد هم قابل شناسایی نشود همه جای کارگاه را بنزین ریختیم و آنجا را به آتش کشیدیم. قبل از اینکه آتش به همه جا سرایت کند محل را ترک کردیم. ما فکر نمی‌کردیم شناسایی شویم و حتی فکر نمی‌کردیم پلیس بتواند رد ما را از طریق تلفن همراه بگیرد به همین دلیل هم تلفن مسروقه را روشن کردیم تا از آن استفاده کنیم، اما به محض اینکه تلفن روشن شد ما ردیابی شدیم و به فاصله چند ساعت نیز بازداشت‌مان کردند. در حالی که دو متهم جنایت را به گردن یکدیگر می‌انداختند و هیچکدام حاضر نبودند اتهام مشارکت در قتل را قبول کنند جلسه دادگاه به پایان رسید و هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند. آنها هر دو متهم را در قتل مجرم شناختند و به اتفاق آراء به قصاص محکوم کردند.

حادثه‌ها

هشدار تند معاون دادستان اهواز به سارقان

معاون دادستان عمومی و انقلاب اهواز گفت: سارقان مسلح، کیف‌قاپان و افرادی که با اقدامات توام با توسل به زور موجبات اخافه مردم را فراهم می‌کنند، بدانند برخورد ماموران نیروی انتظامی با آنان مشابه رفتار خود آنهاست و همه ماموران مکلف شده‌اند تا با رعایت مقررات و قانون به کارگیری سلاح و پیش دستی نسبت به سارقان، آنان را مورد هدف گلوله قرار دهند و در معرکه، معدوم کنند. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دادگستری خوزستان، احمد فاتحی اظهار کرد: ماموریت کلیه نیروهای عمل‌کننده در قالب پتک آهنین از مهم‌ترین برنامه‌های مجتمع قضایی مبارزه با سرقت شهرستان اهواز خواهد بود و مبنای کار این مجتمع اجرای حدود الهی در خصوص تمامی سارقان است. فاتحی هشدار داد: سارقان مسلح بدانند که نه تنها آنان، بلکه خانواده‌هایی که از آنان حمایت می‌کنند نیز از دست قانون در امان نخواهند بود و مطمئن باشند هر اقدام خلاف قانون آنان را با برنامه‌ریزی‌های انجام شده و منسجم، مورد هدف قرار می‌دهیم تا شاهد امنیت نسبی در شهرستان اهواز و افزایش احساس امنیت در میان مردم شریف، آگاه و بصیر آن باشیم. وی ادامه داد: هیچ سارقی از این پس محل امنی نخواهد داشت و هر فردی در هر مکانی بخواهد برای خود حاشیه امنی تهیه کند، بداند تمامی ماموران نیروی انتظامی مکلف هستند در کمال شدت وحدت با او برخورد و چنانچه لازم باشد محل اختفایش را خراب و در دم او را دفن کنند. فاتحی گفت: قاطبه شهرستان اهواز به ویژه نیروهای انتظامی و مقاومت بسیج باید با روحیه‌ای بالا و اتکا به خداوند عزوجل نسبت به تامین امنیت شهرستان به گونه‌ای اقدام کنند که دندان‌های هر فردی که بخواهد امنیت را برهم بزند در دهان او خرد کنند.

سرقت گلدان برای خرید موادمخدر
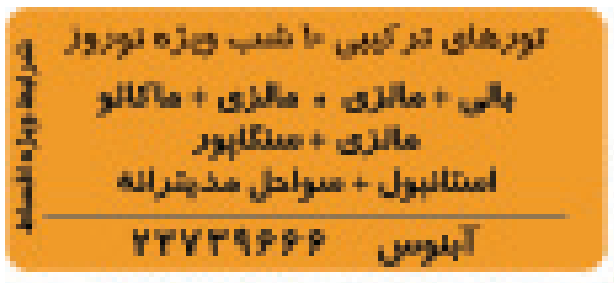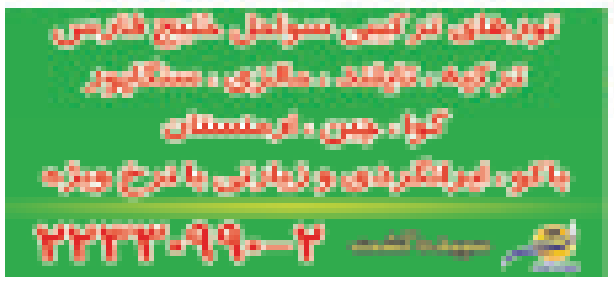
گروه حوادث: دو مرد معتاد که قصد داشتند گلدان‌های یک گلفروشی را به یغما ببرند تا با پول آن مواد مخدر بخرند، هنگام دزدی دستگیر شدند. چند روز قبل ماموران کلانتری گاندی هنگام گشت‌زنی در حوزه استحفاظی خود دو سارق را در حال سرقت گلدان از جلوی یک گلفروشی دیدند و آنها را دستگیر کردند. متهمان در بازجویی‌ها ضمن اعتراف به جرم خود مبنی بر سرقت گلدان‌های مغازه گلفروشی، گفتند قصد داشتند از پول فروش این گلدان‌ها هزینه اعتیاد خود را به دست آورند.